

## تصمیمات دادگاهها

### رای دیوان کشور بر تقض

در موردی که دادگاه عدم تعقیب را با وجود ابلاغ قانونی پیرویش خوانده مربوط پیرویش خواه دانسته و

قرار سقوط دعوی او را داده

ماده ۳۰۲ و ماده ۲۷ قانون آزمایش

اخطار به دادگاه که با دوژن مدعی علیه ( که در مرحله بدوی نیز اخطار به مدعی علیه توسط مشارالیهها بود ) ابلاغ شده و مشارالیهها تمهد مینمایند که برساند با اشعار باینکه به مسافرت رفته باید توسط یست دولتی یا برسانم و این ابلاغ مطابق ماده ۲۷ قانون آزمایش قانونی بوده و دادگاه میبایستی با ابلاغ مزبور (ولو با منظور داشتن مسافت قانونی) ترتیب اثر داده وارد مراحل بعدی از رسیدگی شده باشد با اینوصف مجدداً اخطار به دیگری بهمان زن داده شده و این دفعه نیز تمهد میشود برساند منتهی نسبت ببعده متعذر گردیده معذک دادگاه اخطار به را ابلاغ شده ندانسته قضیه را بعداً جریانی داده [ از قبیل ارسال اخطار به بخورستان و تکلیف مستأنفان تعیین محل اقامت فعلی مدعی علیه ] که کلیه این جریانات بمرور دهر و با اینکه پیرویش خواهان پس از اخطار اولی لایحه مبنی بر تقاضای رسیدگی در ماهیت دعوی داده و حق حضور خودشان را اسقاط کرده بودند تکلیفی متوجه آنها نبوده ناموردی برای تعقیب و عدم تعقیب آنها تصور شود بلکه دادگاه مکلف بوده که وارد رسیدگی گردیده و قضیه را خاتمه دهد بنا بر این مزبور رسیدگی دادگاه مخالف اصول و رای فرجام خواسته مخدوش و مطابق ماده ۳۴ قانون آزمایش با اتفاق منقوض است (

کسی در دادگاه شهرستان محکوم علیه واقع شده و دادخواست پیرویشی تقدیم و جای اقامت پیرویش خوانده را طبق پرونده بدوی معین کرده و بر اثر اخطار از دفتر دادگاه جای اقامت او معین و مادر عیال او تمهد شده که به محلی که سفر کرده فرستد مجدداً اخطار دیگری شده و همان زن تمهد رساندن میکند و ضمناً جای اقامت او را در شهری که سفر کرده ذیل اخطار مینویسد - پیرویش خواه در خواست رسیدگی کرده دادگاه دستور فرستادن اخطار مجدد بمحلی که ذیل اخطار سابق نوشته شده بوده میدهد و بواسطه نبودن پیرویش خوانده در محل اخطار به بدون ابلاغ بر میگردد مجدداً پیرویش خواه اخطار تعیین جای اقامت طرف میشود و پس از گذشتن سه ماه پیرویش خوانده در خواست سقوط دعوی را مینماید و دادگاه استان طرفین را احضار و پس از استماع دفاع پیرویش خواه باینکه سابقاً بطرف ابلاغ قانونی شده و درخواست رسیدگی هم بعمل آمده بوده و عدم تعقیب مربوط بار نبوده دادگاه قرار سقوط دعوی پیرویشی را میدهد - دیوان کشور شعبه ۱ در حکم شماره ۲۸۲۱ شماره بسخ ۲۷-۱۲-۱۷ چنین رأی میدهند:

( بر حسب مستفاد از محتویات پرونده جریان ابلاغ مدعی علیه در مرحله پیرویش بنحو صحیح نبوده چه آنکه

## رأی دیوان کشور بر تقض

در مورد بکه دادگاه برای تعیین حد اقل مجازات معارن با وجود علل تخفیف قانون اشد را عطف بسابق کرده است  
ماده ۱۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۴۵ مکرر قانون مجازات

کرده باشد ثانیاً از مضمون دادنامه که در آن قید شده ( با رعایت مواد راجع بتعدد و تخفیف) همچو استنباط میشود که نظر دادگاه در تعیین این مقدار مجازات در باره متهم بماده ۴۵ مکرر قانون مذکور بوده که در مورد تعدد تخفیف مجازات را بکمتر از حد اقل آن اجازه نداده در صورتیکه طبق ادعای دادستان نخستین که دادنامه فرجام خواسته نیز بدان اشعار دارد سالمه و قروع بزهرهای انتسابی پیش از تاریخ تصویب ماده ۴۵ مکرر بوده و بلحاظ اینکه از این حیث تخفیف مجازات را در مورد تعدد بزه بکمتر از آنچه مواد سابق مربوط بتخفیف اجازه داده بود محدود نموده اشد محسوب میشود طبق ماده ۶ قانون مذکور در این مورد قابل اعمال نبوده و دادگاه میبایست طبق دستور ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی و مواد مربوطه دیگر نسبت به رد و نزه در باره متهم تعیین مجازات کرده باشد لذا دادنامه فرجام خواسته از این حیث مخالف قانون بشمار میرود و بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود.

کسی باتهام معارن در جمل برک شناسنامه و شروع باستفاده از آن مورد تعقیب واقع دادگاه جنائی پس از رسیدگی متهم را برای معارن در جمل و استفاده از آن باستناد ماده ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۲۸ قانون مجازات و ۲ الحاقی و رعایت تخفیف او را بدو سال حبس مجرد محکوم کرده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۲۷۳۲ بشاریخ ۱۴-۱۲-۱۷ چنین رأی داده است:

( دادگاه با تطبیق دو فقره عمل انتسابی ( معارن در جمل شناسنامه و استفاده از آن ) با مواد ۱۰۳ و ۱۰۵ قانون مجازات و بلحاظ تعدد و اعزاز موجبات تخفیف متهم را برای هر یک از بزههای مزبور بدو سال حبس مجرد محکوم نموده و حال آنکه اولاً حد اکثر مجازاتی که برای عمل معارن در جمل در این مورد دادگاه میتواند معین نماید طبق ماده ۱۰۵ و ماده ۲۸ و قسمت اخیر ماده ۲۷ قانون مذکور همان دو سال حبس مجرد بوده و چون تخفیف مجازات را مقتضی دانسته میبایست بر طبق قواعد راجع بتخفیف تعیین مجازات

## رأی دیوان کشور برابر ام

در مورد بکه اعلام رأی جزائی در دادگاه ابلاغ قانونی شناخته شده

ماده ۱۳۵ اصول دادرسی جزائی

( اعتراض فرجام خواه دابر باینکه سالمه اعلام رأی دادگاه مبدء مدت پژوهش نبوده و تا حکم صادر و ابلاغ نشود مدت شروع نمیشود و لذا قرارداد درخواست پژوهش او بر خلاف قانون میباشد وارد نیست چه طبق مستفاد از مواد مربوطه از اصول محاکمات جزائی احکام دادگاههای جزائی همان است که در دادگاه انشاء میشود و جز در مواردی که قانون حکم خاصی معین کرده باشد فرقی بین رأی و حکم از این جهت نیست و نظر باینکه در این مورد طبق حکایت

کسی باتهام مقاومت باأمور دولت حین انجام وظیفه مورد تعقیب واقع و پس از رسیدگی محکوم بحبس تأدیبی شده و رأی دادگاه در خود دادگاه باو اعلام و پس از بیست روز دادخواست پژوهشی تقدیم دادگاه استان میکنند دادگاه بعنوان خروج از موعد دادخواست او را رد میکند محکوم علیه رسیدگی فرجامی خواسته و بر قرار نامبرده اعتراض کرده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۱۳۵ مورخ ۲۸-۱-۱۸ چنین رأی داده است:

را مبدء مدت مزبور دانسته و بلحاظ انقضاء مدت در موقع تقديم دادخواست پژوهش خواه آزراد کرده اشکالی متوجه نیست)

برگ های مربوط پرونده کار حکم بدوی در دادگاه جنحه بنحو مقرر با حضور متهم اعلام گردیده و سالمه مزبور طبق ماده ۳۵۱ اصول معاکات جزائی مبدء قانونی برای حق شکایت پژوهش بوده است بر نظر دادگاه استان که همان ساله

رای دیوان کشور بر نقض

رای دادگاه استان تهران

در مورد بیکه تاریخ درخواست رونوشت حکم اعسار ملاک ترك تعقیب دعوی شناخته شد

شماره ۱۸-۱-۲۱

شده نه تاریخ ابلاغ حکم

شماره ۱۸-۱-۲۱

ماده ۳۰۲ قانون اصول آزمایش

شماره ۱۸-۱-۲۱

( قرار سقوط دعوی استینافی باستناد اینکه پژوهش خواه تقاضای رونوشت حکم اعسار کرده و از آن تاریخ دعوی را تعقیب نکرده صحیح نیست چه بر این تقدیر که مستأف در اینگونه موارد مکلف بتعقیب دعوی باشد ابتدای ترك تعقیب از تاریخ ابلاغ حکم اعسار باو باید محسوب شود نه از تاریخ درخواست رونوشت حکم که ممکن است قبل از ابلاغ حکم باشد لذا افراد مورد شکایت مخدوش است )

کسی در مرحله نخستین محکوم پرداخت مقداری محصول ملک شده و در مرحله استینافی برای فسخ حکم درخواست رونوشت حکم اعسار را کرده و پرونده پس از آن بدو اقدام مانده - تا آنکه محکوم له پس از سه ماه باستناد ماده ۳۰۲ قانون آزمایش درخواست سقوط دعوی استینافی کرده و دادگاه استان حکم سقوط دعوی را داده است - محکوم علیه فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه ۴ در حکم شماره ۱۶۱ تاریخ ۱۸-۱-۲۱ چنین رأی داده است :

رای دیوان کشور بر ابرام

رای دادگاه استان تهران

شماره ۱۸-۱-۲۱

در مورد رد دادخواست و کیلی که صالح برای دادن دادخواست نبوده بعنوان عدم رفع نقص

شماره ۱۸-۱-۲۱

ماده ۱۹۹ آزمایش و ماده ۱۹۹ قانون ثبت

و دادگاه استان آن را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه (۱) در حکم شماره ۱۵۱ مورخ ۱۸-۱-۲۰ چنین رأی داده است :

کسی بوکالت اتفاقی از طرف جمعی بردخواست ثبت ملک اعتراض میکند و بواسطه عدم رفع نواقص دادخواست او ابطال میشود در صورتیکه در آن تاریخ بواسطه تغییر قانون وکالت وکیل مزبور صالح برای وکالت اتفاقی نبوده وکیل نامبرده دادخواست را تجدید میکند و پس از اخطار رفع نواقص بعنوان آنکه نمیتواند مطابق قانون جدید وکیل اتفاقی نمیتواند واقع شود از قبول اخطار خود داری و ارجاع بموکلین داده - دادگاه بعنوان عدم رفع نقص دادخواست وارد کرده

[ اگر چه اعتراضی نسبت ابلاغ قرار ابطال دادخواست بوکیل مزبور وارد است ولی این امر مؤثر در قبول دادخواستی که دارای نواقص بوده و در موعد قانونی اقدام بر رفع آن ننموده نیست بنابراین اعتراضات فرجام خواه از این حیث غیر وارد و قرار تأییدی بموقع صادر و مبرم است )

شماره ۱۸-۱-۲۱

شماره ۱۸-۱-۲۱

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد بیکه اداره دارائی محکوم بپرداخت خسارت و هزینه دادرسی شده  
ماده واحده مصوب ۳۰۸-۳-۲۱ راجع بمعافیت دولت از پرداخت هزینه دادرسی

کسی بخواسته مبلغی بعنوان خسارت و هزینه دادرسی بر اداره دارائی اقامه دعوی کرده و در مرحله نخستین اداره دارائی محکوم بپرداخت خواسته شده و در مرحله پژوهش با استدلال اینکه (در مورد اقامه دعوی دولت بر اشخاص و عدم ثبوت آن خسارت وارد شده بطرف خارج از مصادیق هزینه دادرسی منظور در مساده	واحد مصوب ۳۰۸-۳-۲۱ خواهد بود) اعتراض اداره دارائی را رد و حکم را تأیید کرده است. دیوان کشور شعبه (۴) در حکم شماره ۱۵۲ مورخ ۱-۶-۱۸ از لحاظ رعایت قانون اصول دادرسی ابرادی بر حکم ندیده و اعتراض اداره دارائی را مؤثر ندانسته و حکم را ابرام کرده است.
--	--

### رای دیوان کشور بر نقض

در مورد بیکه مجازات بزهکار را با وجود تعدد جرم بدون رعایت تخفیف از حد اکثر یا تبیین آورده اند  
ماده (۲) الحاقی اصول جزائی و ۱۷۳ قانون مجازات

يك نفر بانهاهم ژدن بدو نفر مأمور دولت جین انجام وظیفه در دادگاه جنائی تحت تعقیب واقع و دادگاه عمل را جین انجام وظیفه تشخیص نداده و او را سه ماه حبس تأدیبی محکوم کرده - دادستان بر حکم مزبور اعتراض کرده. دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۹۰ مورخ ۱-۱-۱۸ چنین رأی داده است:	ماده ۲ الحاقی برای هر يك از دو عمل حد اکثر مجازات مقرر در قسمت اخیر ماده ۱۷۳ را معین کنند - وارد است زیرا با آنکه دادگاه بالنتیجه ایراد ضرب را از طرف متهم نسبت بدو نفر معزز و او را از این جهت مستوجب مجازات دانسته متهم را بدون آنکه رعایت تخفیف کرده باشد سه ماه حبس محکوم کرده در صورتی که طبق ماده ۲ الحاقی میبایست برای هر يك از دو عمل مجازات جداگانه تعیین و حد اکثر مجازات ثانوی را نیز در باره او مقرر دارد بنا بر این حکم نامبرده که مخالف قانون است نقض میشود)
--	--

### رای دیوان کشور برابر ام

در مورد مطالبه خسارت عشریه اجرائی و عدم شمول مرور زمان منظور در ماده ۳۸ قانون تسریع  
ماده ۳۸ و تبصره (۱) ماده ۶۰ قانون تسریع

کسی با استناد حکم قطعی و اجرا شده مطالبه خسارت دادرسی از محکوم علیه کرده دادگاه نخستین هزینه دادرسی را مشمول مرور زمان دانسته ولی عشریه اجرائی را خارج از مورد ماده ۳۸ قانون تسریع دانسته و مدعی علیه را	محکوم بپرداخت آن کرده - دادگاه استان اعتراض را وارد ندیده و حکم نخستین را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه (۳) در حکم شماره ۱۶۸ مورخ ۱-۱-۱۸ چنین رأی داده است:
--	--

است که خسارت حاصله از جهت پرداخت عشریه مشمول خسارات منظور در ماده ۳۸ نمیباشد بنابراین اعتراض فرجام خواه وارد نیست)

( ماده ۳۸ قانون تسریع محاکمات ناظر است بخساراتی که مطالبه آن بموجب قانون مزبور ضمن دادرسی دعوی اصلی تجویز شده و چون عشریه اجرائی مطابق تبصره يك ماده ۶۰ همان قانون بمعهده محكوم علیه مقرر شده معلوم

رای دیوان کشور برابر امرام

در موردیکه ورود شبانه مأمور بخانه مردم حین انجام وظیفه تشخیص نشده ماده ۱۶۶ و ۱۷۳ قانون مجازات

نصف شب بوده بوسیله ساز و آواز سلب آسایش از دیگران میگردد و این عمل طبق شق ۲۲ از ماده ۱ آئین نامه امور خلافی ممنوع بوده و دخالت مأمورین را ایجاب می نموده - وارد نیست زیرا از کیفیت واقعه خواه منعم مرتکب بزه خلافی شده یا نشده باشد امری که ورود مأمورین را در آن موقع به داخل منزل متهم ایجاب نموده باشد بنظر نمی رسد )

کسی بانها م توهین و زدن بمأمور دولت تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی عمل را که عبارت از ورود شبانه بمنزل متهم بوده حین انجام وظیفه تشخیص نداده و مورد را منطبق باماده ۱۷۳ دانسته و متهم را بسه ماه حبس تأدیبی محکوم کرده دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۹۰ مورخ ۱۴-۱-۱۸ چنین رأی داده است :  
( اعتراض دادستان باینکه متهم در موقعیکه بعد از

رای دیوان کشور برابر امرام

در موردیکه قبلاً تکلیف صلح بمدعی خصوصی نشده باشد

ماده ۶۶ و ماده ۲۷۷ اصول دادرسی جزائی

برخلاف ماده ۶۶ و ۲۷۷ اصول دادرسی جزائی صادر شده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۹۰ مورخ ۱۴-۱-۱۸ اعتراض دادستان را ( از لحاظ اینکه باوجود اقدام شاکی در بدو امر بشکایت جزائی عدم تکلیف سازش از طرف بازپرس با دادگاه بر هر تقدیر از تخلفات موجب نقض بشمار نمیرود ) وارد ندانسته است .

کسی بر اثر شکایت مدعی خصوصی در دادگاه جنائی بعنوان ورود ضرب بمأمور دولت بسه ماه حبس تأدیبی محکوم شده دادستان بر حکم مزبور اعتراض کرده که بر فرض عمل حین انجام وظیفه تشخیص نشود تعقیب بزه نامبرده موقوف بشکایت مدعی خصوصی است و میبایست بیش از تعقیب متهم بشاکی تکلیف صلح شده باشد و چون این اقدام نشده حکم

رای دیوان کشور بر امرام

در موردیکه دادگاه اثبات سوء نیت امین را در صورت فقدان امانت بمعهده مدعی قرار داده است

ماده ۲۴۱ قانون مجازات و ماده ۶۱۴ قانون مدنی

بسه ماه حبس تأدیبی محکوم کرده - دادگاه استان چنین رأی داده ( برای احراز جرم خیانت در امانت منطبق بر ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی باید معلوم و مسلم شود که منعم مال

کسی بانها م خیانت در امانت بدین نحو که اسکناس گرفته که برود پول خرد کند و پس از برگشتن دعوی فقدان اسکناس کرده تعقیب و دادگاه جنحه متهم را با رعایت تخفیف

مورد امانت را بضرر امانت دهنده نصاب یا تلف یا مفقود یا استعمال نماید و در این مورد از پیرونده دلیل و مستندی برای اثبات اینکه اسکناس هزار ریالی را که برای خریدن باو تسلیم شده شخصاً نصاب و با عمداً مفقود و تلف کرده استفاده نمیشود - و صرف استبعاد گشتن اسکناس در چنین موقعی با امکان وقوع آن و نبودن دلیل و مستندی بر نصاب و مداخله متهم در هزار ریال بضرر مالک آن موجب تحقق شرط مذکور و حصول علم عادی باینکه متهم هزار ریال را بخصماً نصاب کرده و بر خلاف واقع و بدروغ مدعی فقدان آن شده نیست - خصوص که متهم دارای سابقه سوء در این نوع امور و انمود نشده است بنا بر این چون ارتکاب جرم منطبق بر ماده مزبور محقق نیست و مسئولیت حقوقی شخص امانت در قبال امانت دهنده در صورت احراز تعدی با تفریط طبق ماده ۶۱۴ قانون مدنی و مواد دیگر مستلزم مسئولیت جزائی منطبق بر ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی

تشخیص نمیکرد حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه میشود) - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۱۸۲ مورخ ۱۸-۱-۲۷ چنین رأی داده است :  
(اعتراض دادسرا بالتیجه آنکه (طبق ماده ۲۴۱ قانون مجازات عمومی مفقود نمودن مال موضوع امانت بدون هیچ قید و شرطی بزه میباشد و بر تقدیر اینکه احراز سوء نیت هم شرط باشد اقامه دلیل بر اینکه سوء نیتی در بین نبوده بر عهده متهم است) وارد نیست چه مستفاد از ماده استنادی این است کسی که مال باو سپرده شده با سوء نیت آنرا مفقود نماید و صرف مفقود شدن مال در نزد او بدون احراز هیچگونه سوء نیت موجب مسئولیت جزائی نخواهد بود و اثبات این معنی هم که از ارکان و عناصر بزه بشمار میرود اصولاً بر عهده تعقیب کننده بزه میباشد بنا بر این حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء ابرام میگردد)

### رأی دیوان کشور برابر

در مورد بکه جرم خلاف مؤثر در تعدد جرم شناخته نشده باشد

ماده ۲ الحاقی اصول جزائی و ماده ۷ قانون مجازات

تشخیص قصاصی با اتهام گران فروختن گوشت و توهین به یاساق - حین انجام وظیفه مورد تعقیب و در دادگاه جنحه باستناد فقره (۵) از ماده ۳ نظامنامه امور خلافی و ماده ۱۹۲ قانون مجازات محکوم بپرداخت ۳۱ ریال جزای نقدی و در وقت حبس تأدیبی میشود که هر دو مجازات در باره او اجرا شود - دادستان استان بعنوان آنکه خلاف هم جرم محسوب است و چون مورد تعدد جرم است باید مجازات او اجرا شود بر حکم نامبرده اعتراض کرده - دادگاه استان باستناد اینکه ماده ۲ ناظر بجرائم است و خلاف جرم نیست حکم نخستین را تأیید کرده - دیوان کشور شعبه ۲ در حکم شماره ۱۸۸ مورخ ۱۸-۱-۲۷ چنین رأی داده است :  
(اعتراض دادستان خلاصه آنکه [طبق ماده ۷ قانون مجازات

عمومی امور خلافی نیز بزه میباشد و طبق ماده ۲ الحاقی با اصول محاکمات جزائی در این مورد فقط مجازات اشد میباشد در باره محکوم اجرا شود و حکم دادگاه دایر باجرا هر دو مجازات درباره او مخالف قانون بشمار میرود) وارد نیست زیرا هر چند از لحاظ تقسیم بزها بدرجات چهارگانه مذکور در ماده استنادی دادستان فرجام خواه بر امور خلافی نیز بزه اطلاق شده است لیکن حکم ماده ۲ الحاقی با اصول محاکمات جزائی در خصوص مجازات بزهاکاری که مرتکب بزهای متعدد شده بطوریکه از ظاهر عبارت آن مستفاد است مخصوص بزهایی است که از درجه جنحه یا جنایت باشد و قانونگذار در این ماده نظری بامور خلافی نداشته است تا حکم ماده مزبور از این حیث شامل آنها نباشد بنا بر این حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء ابرام میگردد.)